[122] " خوار " فضمنا الحقت بقم. وهذا شئ غريب من الناحية التاريخية والجغرافية بالنسبة للقرن الثالث والرابع الهجري (1). وإليك خارطة مفصلة بخصوص رساتيق الري، بينا فيها نواحي الري وقراها - قديما - كما تجد في الخارطة موضع كلين بالضم، والثانية بالفتح فتأمل.

_____

(1) وقد آثرنا نقل النص الفارسي كي يطلع القارئ، قال فيض: " دهكده كلين از مضافات قم بود، واين دهكده از مضافات قم بوده است، چنانكه در ترجمة إصفهان وهمدان جدا كرده به قم افزوده اند ميپردازد، چنين مى افزايد كه از إصفهان چهار رستاق، واز نهاوند وهمدان هم طسوجهائي جدا ساخته ضميمه قم ساختند، واين شهر را از إصفهان تجزيه ومستقل گردانيدند، وچون ميانه دهكده هاي ري با دهكده هاي قم شوره زارى قرار داشت، كه رستاق هاي قم را از رساتيق ري جدا مى ساخت از شهر ري چيزي به قم نيفزودند. وچون عرب صاحب حشمت ومكنت گرديده أكثر دهكده هاي خوي را كه خرابه بود خريداري كرده به عمران آنها، وحفر قنوات پرداختند براي نوبت دوم: از ناحيت روده كه از جمله نواحي همدان بود نود وچهار تخته از آباد وخراب، واز ناحيت ري رستاق خوي، واز ناحيت اصفهان به جزء نوبت اول رستاق قاسان ورستاق وراردهسار (اردهال كنوني) را به قم افزودند وجزء مضافات آن در آوردند، واز رستاق خوي سي ودو ديه تابع قم گرديد. وآنچه كه اصفهاني در تاريخ خود آورده است كه از ضياع ري هيچ جيز با قم اضافت نكرده اند، ودر محوزة آن نگرفته اند غلط وسهو است، ودرست وحقيقت آنست كه از ري بيستر رستاقهاي خوي با قم اضافت كرده اند، وكتاب ري هم بر اين أمر باطق است. (إلى ان يقول:) بنابراين رستاق خوي جزء مضافات قم بوده است، كه كلين هم يكي از دهكده هاي آن شمرده مى شده است " گنيجنه آثار قم: 1 / 225 - 226.

_____